



نگرش تازه به جنگ و نفت

لطفاً الله میثمی

داشته باشد که طبیعی است با میلیتاریزه تر شدن خلیج فارس و دریای عمان همراه است و در این حالت بعید است بتوانیم میزان قابل توجهی نفت صادر کنیم. از زمان حمله به برج الخبر عربستان در سال ۱۳۷۵ و ترور سران کرد در رستوران میکونوس آلمان موضوع حمله به ایران و آرایش نظامی علیه کشورمان روی میز پنتاگون بوده و با حساس شدن چالش اتمی این فضا جدی تر شده است، بنابراین در اتخاذ سیاست نفتی نباید جنگ را از نظر دور داشت.

هـ- سیاست اعلام شده و قاطع مسئولان مملکت این است که اگر اجازه ندادند نفت صادر کنیم ماه هم نمی گذاریم دیگران نفت صادر کنند، این سیاست که توسط فرماندهان نظامی نیز تکرار شده، بسیار قابل تأمل و مذاقه است، چرا که هزینه عدم صادرات نفت معادل با یک جنگ منطقه ای است و طبیعی است که با شروع جنگ، امریکا و اسرائیل به کمک کشورهای عرب خواهند شتافت و شکاف و قطب بندی جدیدی را بر اساس عرب-عجم و شیعه-سنی آن هم با پول نفت به وجود خواهند آورد که ابعاد وسیع و پیامدهای خطرناکی خواهد داشت.

و- دست به دست دادن چهار عامل زیر تهدیدی علیه درآمد حاصله از صادرات نفت است، که در پی آن این درآمد به شدت کاهش خواهد یافت:

- افت طبیعی فشار مخازن زیرزمینی نفت معادل ۴۰۰ هزار بشکه در روز

- عدم سرمایه گذاری همراه با تکنولوژی

به دلیل سیاست خارجی و تحریم ها

- افزایش جمعیت

- افزایش الگوی مصرف

که برتری دریایی و هوایی نسبت به ابر قدرتی چون امریکا که دستیابی به انرژی در رأس مسائل آن است و بودجه سالیانه نظامی اش ۷۵۰ میلیارد دلار است، کار ساده ای نیست.

ب- کاهش فاحش قیمت نفت هم از دیگر ترندهایی است که با توجه به این امر که سرخه هایی از تصمیم گیری های اوبک در دست امریکا و یا ایادی آن در منطقه است، به اجرا گذاشته شده و ممکن است باز هم بشود، برای نمونه طی جنگ هشت ساله تحمیلی علیه ایران، ریگان رئیس جمهور امریکا به این اقدام دست زد و نام آن را «استراتژی فروپاشی ایران» و سپس «استراتژی رعشه گذاشت»، به این معنا که با کاهش قیمت نفت از ۳۵ دلار به پنج دلار رعشه ای بر پیکر جمهوری اسلامی وارد کند تا اهداف خود را تأمین نماید. کاهش قیمت نفت از ۱۵۰ دلار به ۵۰ دلار طی دولت نهم نیز در راستای بی ثباتی درآمد نفت معنادار بود.

ج- استراتژی نخریدن نفت از ایران نیز ترند دیگری است که هر چند امریکا این استراتژی را به اجرا گذاشت، ولی تلاش هایش تا کنون به ثمر نرسیده است. مقامات امریکایی سفرهایی به عربستان سعودی داشتند تا آن کشور را قانع کنند که اگر ژاپن، چین و... از ایران نفت نخریدند عربستان کمبودهای این کشورها را جبران کند، بنابراین نباید ترند نخریدن نفت خام ایران را نیز از نظر دور داشت، بویژه که دکتر آمیت مور اسرائیلی از موضع دولتمردان اسرائیل - تنها راه مقابله کار آمد با ایران را تحریم خرید نفت خام از ایران می داند.^(۱)

د- استراتژی نفی مطلق هو لولو کاست و انهدام اسرائیل و سیاست اتمی مادر این راستا ممکن است حمله یا جنگی را علیه مادر پی

در شرایط حساس کنونی بر آنم تا در این نوشتار به مسئله ای مهم در رابطه با ایران بپردازم و مطالبی راهبردی را در مورد دو مسئله نفت و جنگ و رابطه متقابل این دو در نظام جمهوری اسلامی با کارشناسان و خوانندگان این نوشته در میان گذارم. در این راستا به نکات زیر اشاره می شود:

۱- گفته می شود که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. گرچه برخی اوجب را به معنای واجب تر از نماز، روزه و حج یعنی مقوله برتری می دانند، اما برخی دیگر که تنها به قدرت می اندیشند حفظ نظام را به هر شیوه غیر دینی و غیر قانونی اوجب می دانند.

۲- دولت ایران، دولتی نفتی است، به این معنا که عمده درآمد ارزی ایران از طریق صادرات نفت خام است، هر چند درآمدهای دیگری چون مالیات، گمرکات و صادرات هر یک به نوبه خود نقش دارند.

۳- صادرات نفت خام و در پی آن عمده درآمد ناشی از آن با موانع راهبردی زیر روبه روست که چشم انداز آینده ایران را در معرض مخاطره قرار می دهد:

الف- حضور نظامی وسیع امریکا و انگلیس در خلیج فارس، دریای عمان، عراق، افغانستان و پاکستان که هم خطری است بالفعل و هم بالقوه و در هر لحظه می تواند خطر آفرین و آتش افروز جنگ باشد، بسرای مقابله با این مانع باید نیروی دریایی، هوایی و زمینی برتری داشته باشند تا صادرات نفت بتواند از امنیت عرضه برخوردار شود. به نظر می رسد برای دارا بودن برتری دریایی و هوایی باید درآمد حاصله از صادرات نفت را صرف امور دفاعی و تداوم این برتری کنیم و در نظر داشته باشیم

هر چند اصلاح قیمت‌ها ممکن است الگوی مصرف را کنترل کند، اما روند عوامل بالا به گونه‌ای است که پیش‌بینی می‌شود چند سال دیگر نفتی برای صادرات نخواهیم داشت، بنابراین نباید از این پدیده هم غافل شد.

در این راستا و با در نظر گرفتن عوامل یادشده پرسش‌هایی جدی مطرح می‌شود که پاسخ‌بنیادی طراحان استراتژی کشور را می‌طلبد:

۱- اگر قرار است بیش از حد در آمد نفت صرف حراست و حفاظت نفت شود آیا صادرات نفت توجیه اقتصادی دارد؟ و آیا وابسته و مشروط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران بر این در آمد نفت منطقی است؟

۲- اگر قرار است به جای فضای سیاسی- قانونی ناشی از انقلاب و قانون، فضای نظامی- امنیتی ناشی از صادرات نفت و حفاظت آن جایگزین شود آیا جایگاهی برای کارشناسان و کارشناسی، صنعت، کشاورزی، تولید ملی، جمهوریت و اسلامیت باقی خواهد ماند؟ و آیا بلوک شوروی نیز به همین دلایل دچار فروپاشی نشد؟

۳- آیا اگر هزینه صادر نکردن نفت معادل هزینه یک جنگ منطقه‌ای با تمام ابعاد آن باشد این کار توجیه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد؟

آقای هاشمی رفسنجانی هزینه دفاع مردم در برابر جنگ تحمیلی را - از نظر اقتصادی - هزار میلیارد دلار آن روز برآورد کردند؛ ناگفته نماند که در آن جنگ ۲۶۰ هزار شهید و یک میلیون مجروح تقدیم کردیم. اگر

با وجود این همه در آمد نفت، گاز، معادن، شیلات، مالیات، گمرکات و صادرات هنوز زیر خط فقر مانده‌ایم آیا به این معنا نیست که سوراخ‌های استخراج ایران که با این همه آب ورودی سرریز ندارد هنوز روشن نیست که در کجا قرار دارد؟ و آیا نشان‌دهنده این نیست که در صادرات هر بشکه نفت خام، دچار زیان می‌شویم؟ این مطلب را مجاهد شهید سعید محسن در مقاله تحقیقی خود به نام «استثمار مضاعف» در سال ۱۳۴۸ بیان کرد و نشان داد منحنی افزایش در آمد ما از نفت با منحنی تورم و منحنی خرید اسلحه - برای حفاظت نفت - موازی است؛ جالب این که این منحنی افزایش اخذ مالیات از مردم نیز با منحنی‌های فوق موازی بود. او به روشنی نشان داد که نه تنها بر اثر صادرات یک بشکه نفت، سرمایه‌ای همچون نفت را از دست می‌دهیم - که با حفظ آن ارزشمندتر می‌شد - بلکه از نظر اقتصادی زیان می‌کنیم. فضای امنیتی - نظامی به وجود آمده تأثیر منفی خود را بر دیگر بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما از جمله روی تضاد کار و سرمایه در صنعت، تجارت، تولید علم، کارشناسی، کشاورزی، دموکراسی، آزاداندیشی و... خواهد گذاشت.

آیا وقت آن نرسیده - و حتی بسیار دیر نشده - که در سیاست و ابستگی نظام جمهوری اسلامی ایران به صادرات نفت، تجدید نظر بنیادی کنیم؟ چرا باید برای صادرات نفت و اداره نظام و جلوگیری از خطرات احتمالی، متوسل به جنگ شده و یا هزینه‌های یورو کراسی نظامی - امنیتی را بپردازیم که استثماری مضاعف به بار

می‌آورد؟

شهید سعید محسن اقتصاد بدون نفت دوران ۲۸ ماهه دکتر مصدق را مثال آورد و علت شکوفایی آن دوره را در فقدان استثمار مضاعف دانست. در سایه آن فضا بود که همه بخش‌های اقتصادی - اجتماعی ایران فعال شد و اوج آزادی با اوج استقلال و پیشرفت و رونق همراه شد، آن هم در شرایطی که در آمد نفت نیز وجود نداشت.

این نوشته و طرح این پرسش‌ها ناشی از دغدغه نگارنده در ارتباط با صنعت نفت ایران است. آیا وقت آن نرسیده که با تغییر نگرش خود نسبت به صنعت نفت و اتخاذ رویکردی تازه به انرژی‌های جایگزین و پایان ناپذیر بیندیشیم. در پایان این نوشته علاقه‌مندان را به مطالعه دوباره مطالبی دیگر در این زمینه از جمله «علمی کردن صنعت نفت»^(۱)، «اقتصاد صنعت نفت به جای تجارت نفت»^(۲)، «فردا خیلی دیر است!»^(۳) و «گذار از نفت به مالیات»^(۴) دعوت می‌کنم. امید است طرح این نکات و پرسش‌ها از سوی صاحب نظران و کارشناسان با بازخوردهایی همراه باشد.

پی‌نوشت:

- ۱- ر.ک: چشم‌انداز ایران، برنامه هسته‌ای ایران - تحریم نفتی، گفت‌وگو با آمیت مور، شماره ۲۹.
- ۲- ر.ک: چشم‌انداز ایران، شماره ۳۴.
- ۳- همان، شماره ۵۴.
- ۴- همان، گفت‌وگو با دکتر عبدالرزاق کعبی نژادبان، در دو بخش، شماره‌های ۶۳ و ۶۴.
- ۵- همان، شماره ۵۳.

کتاب بخوانید و صد پند دهید

نشر صمدیه افتخار دارد که در مدت ده سال چند ده کتاب سیاسی - راهبردی را به مرحله چاپ و انتشار برساند. بنابراین در همان راستا بر آن است به خوانندگان نشریه سیاسی - راهبردی چشم‌انداز ایران که علاقمند به این دانش هستند با دادن تخفیف ویژه ۲۰ درصدی، کتاب‌های مورد درخواست را برای متقاضیان ارسال دارد. خواهشمند است مبلغ محاسبه شده را به شماره حساب ۷۴۱۴۲۵۸۷۲ حساب پس‌انداز بانک ملت شعبه میدان توحید به نام لطف‌الله میثمی واریز و فیش آن را برای نشر صمدیه ارسال فرمایید.

در ضمن کتابفروشی‌های سراسر ایران می‌توانند در خواست‌های خود را با مؤسسه

توزیع سراسری «کتاب گستر» به شماره تلفن ۰۲۲۰۲۴۱۴۱-۲، ۰۲۲۰۱۹۷۹۵ در میان بگذارند.

شماره تلفن‌های نشر: ۰۶۶۹۳۶۵۷۵-۰۶۶۴۳۳۲۰۷-۰۶۶۵۹۶۸۴۹-۰۶۶۵۹۶۸۴۹ فاکس: ۰۶۶۹۳۶۵۷۵